



نقش بندر چابهار در گسترش تعامل میان افغانستان، ایران و هند

مولوی یار محمد حقیر* و فهیم صالحی**

چکیده

یکی از روش‌های تحقق منافع ملی کشورها، تلاش برای بهره‌برداری از منابع منطقه‌ای از طریق افزایش تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای می‌باشد. بنابراین، بندرها و مسیرهای ترانزیت از اهمیت مضاعف می‌یابند. یکی از این مسیرها در تعاملات منطقه‌ای، بندر چابهار است که از ظرفیت لازم برای افزایش تعاملات اقتصادی، سیاسی، امنیتی میان افغانستان، ایران و هند برخوردار است. سؤال اصلی این تحقیق این است که بهره‌برداری از بندر چابهار چه تأثیری بر افزایش تعامل میان افغانستان، ایران و هندوستان خواهد داشت؟ در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این بندر می‌تواند در آینده نه تنها به تقویت تعاملات اقتصادی سه‌جانبه منجر شود، بلکه با گسترش روابط تجاری و ترانزیتی، به توسعه ثبات اقتصادی، امنیتی، سیاسی منطقه‌ای نیز کمک خواهد کرد. به علاوه، این کریدور از ظرفیت تبدیل شدن به یگ کریدور ترانزیتی بین‌المللی برخوردار بوده و در آینده به‌عنوان یک مدل برای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی نیز عمل کند.

واژگان کلیدی: افغانستان، ایران، هند، بندر چابهار، تعاملات اقتصادی، سیاسی، امنیتی

* رئیس نمایندگی وزارت امور خارجه نيمروز

** کارمند ریاست نمایندگی وزارت امور خارجه نيمروز

مقدمه

افغانستان از جمله کشورهای محاط به خشکه است که برای تعامل با جامعه جهانی به بندرهای تجاری کشورهای همسایه وابسته است. در طول تاریخ بیشتر تعاملات تجاری افغانستان از طریق بندرهای هند و بعد از تجزیه، از طریق بندرهای تجاری پاکستان صورت گرفته است. از آنجا که تعاملات رسمی دو کشور افغانستان و پاکستان با چالش‌ها و تعارضات متعدد همراه بوده، همواره پاکستان از مسیرهای ترانزیتی خود به عنوان ابزار فشار استفاده نموده است. بنابراین، کابل همواره تلاش نموده که به منظور توسعه متوازن راه‌های تعاملاتی بدیل را مورد توجه قرار داده و زمینه‌های عملی شدن آن‌ها را فراهم نماید. با توجه به سیاست خارجی «اقتصادمحور» امارت اسلامی، رهبری امارت اسلامی نیز بر تعدد مسیرهای ترانزیت و تبدیل کردن افغانستان به کانون تحولات اقتصادی منطقه‌ای تأکید نموده است. یکی از مسیرهایی که به طور جدی مورد توجه قرار گرفته، مسیر ترانزیتی چابهار است. این مسیر می‌تواند زمینه تعاملات متعدد تجاری را برای افغانستان فراهم نموده و باعث افزایش میزان تجارت افغانستان با جامعه جهانی شود.

قابل ذکر است که تلاش‌ها برای بهره‌برداری از بندر چابهار مورد توجه جدی کشورهای ایران و هندوستان نیز می‌باشد. این دو کشور تلاش نموده برای اتصال به شمال و شرق آسیا از مسیر چابهار استفاده نمایند. سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که بهره‌برداری از بندر چابهار چه تأثیری بر افزایش تعامل میان افغانستان، ایران و هندوستان خواهد داشت؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که رونق این بندر نه تنها تعامل اقتصادی بین سه کشور بلکه افزایش همگرایی منطقه‌ای را نیز افزایش خواهد داد. اهمیت انجام چنین تحقیقاتی در این است که فرصت‌های جدید برای توسعه و همگرایی منطقه‌ای را مورد شناسایی قرار داده و در اختیار تصمیم‌گیرندگان کشورها قرار می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتاب‌های معتبر، مقالات علمی و وبسایت‌های معتبر دیتاهای لازم جمع‌آوری شده و

سپس با رویکرد توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بازه زمانی این تحقیق از زمان شکل‌گیری امارت اسلامی و تلاش‌های امارت اسلامی افغانستان برای افزایش میزان تعاملات منطقه‌ای می‌باشد. سازماندهی تحقیق به گونه‌ای است که ابتدا پروژه چابهار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس رویکرد افغانستان، ایران و هند در مورد این پروژه بررسی می‌شود. در نهایت تأثیر این پروژه بر افزایش میزان تعاملات میان سه کشور بررسی خواهد شد. در نهایت با نتیجه‌گیری تحقیق خاتمه خواهد یافت.

۱. بررسی پروژه چابهار

پروژه بندر چابهار یکی از مهم‌ترین طرح‌های توسعه‌ای در کشور ایران است که در منطقه سیستان و بلوچستان واقع شده است. بندر چابهار به دلیل موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به اقیانوس هند و کشورهای جنوب آسیا به عنوان یک نقطه اتصال حیاتی برای ایران با کشورهای منطقه و فرامنطقه نقش حیاتی ایفا می‌کند. هدف اصلی این پروژه، تبدیل چابهار به یک بندر تجاری و ترانزیتی بین‌المللی است. این بندر نقش استراتژیک و حیاتی در توسعه کشور ایران دارد. بندر چابهار نه تنها برای ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود اهمیت دارد، بلکه به عنوان یک کانون مهم در پروژه‌های توسعه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مورد توجه قرار دارد. این بندر دستیابی آسان‌تر به دریای هند، دریای عمان و خلیج فارس را فراهم می‌کند. کار بر روی این بندر در سال ۱۳۷۹ میلادی آغاز گردید ولی با انقلاب ایران به تأخیر افتاد. در جریان جنگ ایران، عراق این بندر برای ایران نقش حیاتی داشت، زیرا این کشور تجارت خود را از این طریق انجام می‌داد. این مسئله سبب شد، دولت ایران برنامه گسترش این بندر را روی دست بگیرد؛ اما با تحریم‌های اقتصادی و تجاری که به دلیل برنامه‌های هسته‌ای ایران بر این کشور تحمیل شد، تأمین بودجه مورد نیاز برای این پروژه برای کشور ایران دشوار شد (رنجبر، ۱۳۹۸: ۸). در سال ۲۰۱۶ ایران، افغانستان و هند موافقتنامه توسعه پروژه بندر چابهار را امضا کردند. طبق این موافقتنامه یک شرکت هندی حدود ۲۰۰ میلیون دلار در بهبود و توسعه

پروژه بندر چابهار سرمایه‌گذاری خواهد کرد. اخیراً افغانستان، ایران و هند به توافقی دست یافته‌اند، که به نام توافق چابهار یاد می‌شود. در این زمینه مقام‌های عالی‌رتبه سکتورهای اقتصادی امارت اسلامی افغانستان از جمله وزیر صنعت و تجارت، هیأت ۳۰ نفری به‌رهبری ملاعبدالغنی برادر معاون اقتصادی ریس الوزرا، به ایران سفر انجام داده‌اند. سفر ملاعبدالغنی برادر بسیار حایز اهمیت است؛ چنان‌چه در این سفر که به مدت شش روز انجام یافت، تمام وزیران و مقامات سکتور اقتصادی افغانستان ملاعبدالغنی برادر را همراهی می‌کرد. در این سفر ده‌ها تفاهم‌نامه با کشور ایران در زمینه‌های متعدد اقتصادی امضا شد که مهم‌ترین آن تفاهم‌نامه افزایش واردات و صادرات افغانستان از طریق بندر چابهار است. این توافق به افغانستان فرصت می‌دهد تا از طریق بندر چابهار تعاملات جهانی خود را افزایش دهد. این بندر در سواحل تنگه هرمز قرار دارد که ۳۵ درصد انتقالات نفت جهان و ۲۰ درصد نفت تجاری در سراسر جهان از این منطقه می‌گذرد. بیش از ۸۵ درصد از صادرات نفت خام به بازارهای آسیایی نظیر جاپان، هند، کوریای جنوبی و چین صادر می‌شود. در نتیجه، یکی از بزرگ‌ترین بازارهای نفت در آسیا می‌باشد.

تجارت خارجی افغانستان وابسته به مسیرهای اصلی ترانزیتی است که از پاکستان عبور می‌کند. افغانستان نیز مانند سایر کشورهای محصور به خشکی با هزینه‌های بلند حمل و نقل و تأخیرهای طولانی انتقال کالاها مواجه است. در عین حال، به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی، افغانستان ظرفیت تبدیل شدن به نقطه وصل منطقه را دارد. نتایج توافق‌نامه پروژه بندر چابهار برای افغانستان بسیار مهم است. زیرا این پروژه شهرهای زرنج، هرات، قندهار، کابل، مزارشریف را به بازارهای اقتصادی آسیای میانه وصل می‌کند. این یک آغاز جدید در روابط امارت اسلامی افغانستان، هند و ایران به حساب می‌آید (متفی: ۱۷). پروژه چابهار می‌تواند به‌عنوان یک کریدور ترانزیتی مهم برای انتقال کالا از ایران به افغانستان، کشورهای آسیای میانه، هند و سایر نقاط جهان تبدیل شود. هند به

این دلیل به توسعه بندر چابهار کمک می‌کند، تا بتواند به منابع نفت و گاز ایران و کشورها آسیای میانه دسترسی پیدا کند. تهران قصد دارد از بندر چابهار برای حمل و نقل به افغانستان و آسیای میانه استفاده کند. براساس موافقتنامه امضا شده سه‌جانبه بین افغانستان، ایران و هند به منظور انتقال کالاهای هند به سمت آسیای میانه و افغانستان مقررات ترجیحی و کاهش تعرفه برای هند در بندر چابهار در نظر گرفته شده است. همچنان طرح ساخت یک خط آهن به طول ۹۰۰ کیلومتر را از بامیان به بندر چابهار تکمیل کرده است. بندر چابهار برای هند یک مسیر دریایی آسان تر با افغانستان به حساب می‌آید. این پروژه در بلندمدت، دسترسی به منابع انرژی آسیای میانه را نیز میسر خواهد ساخت. این امر افغانستان را قادر به دسترسی به بازارهای بین‌المللی با بهترین و نزدیک‌ترین مسیر تجارت می‌سازد و گزینه بدیل برای مسیر پرچالش کنونی خواهد بود (بهروش: ۱۳۹۸: ۹).

۲. رویکرد کشورهای افغانستان، ایران و هند به چابهار

۱-۲. رویکرد سیاست خارجی افغانستان

کشورها طبق منافع ملی خود و برای دستیابی به اهداف خود در سیاست خارجی، راهبردهای مختلفی را بر می‌گزینند. از جمله راهبردهای سیاست خارجی که در این اواخر بسیار از کشورها آن را انتخاب می‌کنند، تا مانع از تبدیل شدن به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شوند، سیاست خارجی متوازن و اقتصادمحور است. انتخاب این سیاست باعث خواهد شد، که کشور انتخاب‌کننده این سیاست ضمن این که به میدان رقابت قدرت‌های دیگر تبدیل نمی‌شود، با هر دو قدرت نیز روابط برقرار نموده و اهداف خود را در پاسخ بین‌الملل دنبال نماید. پس از روی کار آمدن مجدد امارت اسلامی در افغانستان، سیاستی را که این کشور انتخاب نمود، سیاست خارجی متوازن و اقتصادمحور بوده است. انتخاب این سیاست خارجی در افغانستان باعث شده تا امارت اسلامی افغانستان با اکثر کشورهای بزرگ منطقه‌ای و جهانی وارد تعامل شده و روابط دیپلماتیک برقرار نماید (محمدی، ۱۴۰۲: ۱۴).

رویکرد سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان همواره یکی از دغدغه‌های شدسترسی به بنادر آبی بوده است. پروژه چابهار برای امارت اسلامی افغانستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که این بندر می‌تواند به‌عنوان یک مسیر حیاتی برای دسترسی به بازارهای جهانی و توسعه تجارت افغانستان عمل کند. افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و نداشتن دسترسی مستقیم به دریا، با چالش‌های جدی در زمینه تجارت خارجی و انتقال کالا روبه‌رو است. این مسئله باعث شده تا کشورهای همسایه پاکستان و ایران نقش حیاتی در تجارت افغانستان ایفا کنند. در این میان، پروژه بندر چابهار به‌عنوان یکی از معدود گزینه‌های مؤثر برای امارت اسلامی افغانستان در جهت کاهش وابستگی به مسیرهای تجاری از طریق پاکستان به شمار می‌آید، پروژه چابهار به‌عنوان یک بندر با دسترسی مستقیم به دریای عمان و اقیانوس هند، می‌تواند به افغانستان کمک کند تا وابستگی خود به مسیرهای تجاری از طریق پاکستان را کاهش دهد. این امر به‌ویژه پس از بروز تنش‌های سیاسی و اقتصادی میان امارت اسلامی افغانستان و پاکستان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است (طلوع نیور: ۱۴۰۳).

افغانستان تا فعلاً از طریق بندر کراچی و بندرعباس به آب‌های بین‌المللی وصل بوده است. این دو بندر، خصوصاً بندر کراچی، به دلیل عدم همکاری پاکستان، هزینه حمل و نقل و دسترسی به بازارهای جهانی را به‌صورت چشم‌گیر افزایش داده است. رویکرد سیاست حمایتی امارت اسلامی افغانستان برای حفظ و پیشبرد پروژه چابهار حیاتی است. بندر چابهار این فرصت را مساعد ساخته تا روابط دیپلماتیک امارت اسلامی افغانستان با ایران و هند هرچه بیشتر تقویت و زمینه استفاده مؤثر از این بندر در درازمدت فراهم شود (رمضانی: ۲۰۲۴).

پروژه بندر چابهار، در مقایسه با بندرعباس ۹۰ کیلومتر و در مقایسه با بندر کراچی ۷۰۰ کیلومتر به مرکز افغانستان نزدیک‌تر بوده و هزینه هر کانتینر اموال از این مسیر، بین ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ دالر کاهش خواهد یافت. از این منظر، چابهار، ارزان‌ترین و نزدیک‌ترین

مسیر ترانزیتی برای دسترسی افغانستان به آب‌های بین‌المللی و وصل شدن به مسیرهای ترانزیت جهانی است (بی‌بی‌سی: ۲۰۱۸). براساس آمارهای موجود، نزدیک به ۸۰ درصد تجارت خارجی افغانستان با پاکستان و از طریق بندر کراچی صورت می‌گیرد. این وابستگی چشم‌گیر تجارت خارجی افغانستان با پاکستان و مسیرهای ترانزیتی تحت کنترل این کشور، آسیب‌پذیری‌های بی‌شماره اقتصادی و سیاسی برای افغانستان خلق کرده است (رنجبر: ۱۳۹۸: ۲۹).

از آن‌جا که امارت اسلامی افغانستان تقریباً در تمام کشورهای منطقه در سطح سفارت‌خانه‌ها حضور فعال و رسمی دارد، به این معناست که امارت اسلامی افغانستان همواره متعهد به تعامل مثبت با کشورهای منطقه و جهان بوده و در سه سال گذشته کشورهای منطقه و جهانی به‌ویژه ایران و هند به این نتیجه رسیده‌اند که امارت اسلامی افغانستان نماینده تام‌الاختیار و دولت مشروع مردم افغانستان است. از یک سو بر صد درصد خاک حاکمیت دارد و از سوی دیگر علی‌رغم تحریم‌های جهانی، پروژه‌های بزرگ اداری و انکشافی را با تکیه بر مالیات و عواید داخلی به سطحی راه انداخته است که در تاریخ افغانستان بی‌نظیر است. اکنون کشورهای منطقه و جهان در پرتو سیاست اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان، از فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری در افغانستان از طریق روابط تجاری با امارت اسلامی افغانستان استفاده کنند. زیرا افغانستان از یک سو بازار باز برای محصولات آن‌ها می‌باشد و از سوی دیگر می‌تواند کالاهای مورد نیاز خود را با کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر از هر کشور دیگری پیدا کنند (تسل، ۱۴۰۳: ۵).

رویکرد سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی تلاش دارد تا با تمرکز بر توسعه اقتصادی داخلی و گسترش روابط تجاری با کشورهای منطقه‌یی و قدرت‌های جهانی، افغانستان را از بحران اقتصادی خارج کند. این سیاست اقتصادمحور امارت اسلامی در بلندمدت می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی افغانستان کمک کند. یک از مهم‌ترین فواید این سیاست ارتقای توسعه اقتصادی داخلی

است. اگر امارت اسلامی افغانستان بتواند منابع داخلی خود را به طور مؤثر مدیریت کند و روابط اقتصادی خود را با کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی گسترش دهد، می‌تواند به خودکفایی اقتصادی دست یابد. این خودکفایی به معنای کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی و تقویت پایه‌های اقتصادی کشور است.

۲-۲. رویکرد سیاست خارجی ایران

رویکرد سیاست خارجی ایران به بندر چابهار یکی از سیاست‌های کارآمد و راهبردی برای پیشرفت اقتصاد و کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصادی جهانی، از تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی با عنوان «دیپلوماسی اقتصادی یا سیاست اقتصادمحور» حاصل می‌شود. دیپلوماسی اقتصادی به مفهوم کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلوماسی برای اهداف اقتصادی کشورها است. مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلوماسی اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه-گذاری خارجی، توریسم، دستیابی به تکنالوژی و علم، دسترسی به بازارهای جهانی و در نهایت حفظ اقتصاد ملی و اقتدار بین‌المللی است. در حقیقت دیپلوماسی اقتصادی، منافع اقتصادی دولت‌ها را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در خارج از کشور به منافع اقتصادی، پیوند بین قدرت و رفاه ایجاد می‌کند. بنابراین صحنه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که در فرایند جهانی شدن و منطقه‌گرایی، عنصر اقتصادی و تجاری به عاملی تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل تبدیل گردیده و کشورها بیش از گذشته سیاست خارجی خود را اقتصادمحور تعریف کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۲).

بندر چابهار مهم‌ترین بندر کشور ایران می‌باشد. زیرا این بندر ایران را مستقیم به آب‌های آزاد وصل می‌کنند. این بندر برای ایران دروازه طلایی ورود به آب‌های آزاد جهان است. بندر چابهار نقش استراتژیک و حیاتی در توسعه کشور ایران دارد. این بندر نه تنها برای ایران بلکه به عنوان یک کانون مهم در پروژه‌های توسعه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز

مورد توجه قرار دارد (اربابی، ۱۳۹۹: ۵). مسأله اساسی که اهمیت استراتژیک بندر چابهار و منطقه مکران را در معادلات جیوپولتیک برای ایران مضاعف ساخته، سیاست‌های آمریکا می‌باشد. ایالات متحده، به‌عنوان یک ابرقدرت دریایی، با اطلاق عنوان «ایندوپاسفیک» به منطقه مهم شرق آسیا، کشور در حال رشد هند را نیز به‌لحاظ مفهومی به گستره امنیتی این منطقه اضافه نموده و تلاش می‌کند از این رهگذر، تسلط امنیتی خود در راستای در دستیابی به آب‌های آزاد اقیانوس هند، در برابر قدرت دریایی رقیب اقتصادی خود، چین افزایش دهد. چنان‌چه رابرت کاپلان استدلال می‌کند در صورتی که ایران و هند در توسعه بندر چابهار به دستاورد مطلوب خود برسند، بندر گوادر و کریدور چین و پاکستان و نیز منافع این دو کشور در آسیای میانه و افغانستان را به چالش خواهد کشید (Kaplam:2017:24).

بنابراین یکی از کارکردهای متغیر دیپلوماسی اقتصادی ایران ظرفیت‌سازی برای تجارت است که شامل استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای تحت‌تأثیر قرار دادن تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا، دارای مرزهای مشترک، اشتراکات دینی و مذهبی، اشتراکات فرهنگی و ادب و رسوم مشترک با برخی از کشورها بوده و به‌دلیل مرزهای مشترک و نزدیکی فرهنگی و دینی میان کشورهای منطقه، هزینه‌های تجارت (صادرات و واردات) می‌تواند برای ایران نسبت به سایر کشورها پایین‌تر باشد. در همین جهت، گسترش دیپلوماسی با کشورهای منطقه‌ای و جهانی، نیاز و اقدامی مؤثر در راستای افزایش رشد صادرات و مقاوم کردن اقتصاد کشور ایران می‌باشد که سیاستمداران آن به‌دنبال این هدف می‌باشند (اربابی، ۱۳۹۹: ۸).

در نتیجه، بندر چابهار برای ایران اهمیت زیادی دارد؛ زیرا به ایران این امکان را می‌دهد که در پروژه‌های بزرگ بین‌المللی حمل و نقل و تجارت نقش کلیدی ایفا کند. پروژه بندر چابهار می‌تواند به ایران کمک کند تا در تقابل با رقبای تجاری در منطقه، از موقعیت

برتر خود بهره برداری کند. پروژه چابهار می تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک در مقابله با تحریم ها و فشارهای اقتصادی بین المللی برای ایران عمل کند. به دلیل توافقات خاص با کشورهای دیگر به خصوص افغانستان، هند و ایران می تواند از این بندر برای دور زدن برخی از تحریم ها استفاده نموده و روابط اقتصادی خود را با کشورهای خارج از دایره تحریم های غربی تقویت نماید. در نهایت، بندر چابهار نه تنها به عنوان یک نقطه مهم در جغرافیای ایران، بلکه به عنوان عاملی کلیدی در توسعه تجارت بین الملل و روابط اقتصادی منطقه ای برای ایران اهمیت ویژه ای دارد (عسکری: ۲۲).

۲-۳. رویکرد سیاست خارجی هند

رویکرد سیاست خارجی هند به بندر چابهار ترکیبی از ابعاد اقتصادی، استراتژیک و امنیتی است. این بندر به هند این امکان را می دهد که به طور مستقیم و بدون عبور از خاک پاکستان به بازارهای آسیای میانه دسترسی پیدا کند. این مسأله برای هند اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا روابط هند و پاکستان پیچیده و تحت تأثیر مسایل امنیتی و سیاسی است. از منظر اقتصادی، هند در پروژه توسعه بندر چابهار سرمایه گذاری کرده است تا راهی برای انتقال کالا به کشورهای آسیای میانه و حتی روسیه فراهم کند. بنابراین، هند با انتخاب مسیر امن، کوتاه و به صرفه غیر از مسیر رقیب و دشمن دیرینه اش پاکستان به اهداف مورد نظرش می رسد. این امر به هند این امکان را می دهد که بتواند مسیرهای تجاری خود را متنوع کند؛ وابستگی به مسیرهای دریایی تحت کنترل چین را کاهش دهد. در واقع هند از بندر چابهار به عنوان یک کریدور مهم تجاری برای گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده می کند (حمدی، ۱۳۹۶: ۵۵).

این بندر برای هند از اهمیت استراتژیک و اقتصادی بالایی برخوردار است. این بندر که در سواحل دریای عمان در ایران واقع شده، به هند این امکان را می دهد که به صورت مستقیم به بازارهای آسیای میانه، خاورمیانه و اروپا دسترسی داشته باشد. هم چنین، موقعیت جغرافیایی بندر چابهار به هند اجازه می دهد که از آن به عنوان یک کریدور

حیاتی برای توسعه تجارت منطقه‌ای و جهانی خود استفاده کند. در این راستا، یکی از دلایلی که رویکرد هند به بندر چابهار این است که بندر چابهار برای هند، مساعد کردن دسترسی مستقیم به آسیای میانه است. هند در گذشته برای دسترسی به بازارهای آسیای میانه وابسته به مسیرهای حمل و نقل از طریق پاکستان بود. اما روابط پیچیده و تنش‌های سیاسی با پاکستان، هند را بر آن داشت تا به دنبال مسیری جایگزین برای دسترسی به این بازارها باشد. بندر چابهار که در نزدیکی مرزهای افغانستان واقع شده، به هند این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به عبور از پاکستان، کالاهای خود را به آسیای میانه و دیگر مناطق وارد کند (بهروش: ۱۳۹۷: ۱۱).

بندر چابهار به عنوان یک کریدور حمل و نقل استراتژیک می‌تواند به هند کمک کند تا روابط اقتصادی، تجاری خود را با افغانستان و کشورهای آسیای میانه تقویت کند. این بندر به هند اجازه می‌دهد تا کالاهای خود را از طریق افغانستان به بازارهای آسیای میانه ارسال کند، که به نوبه خود به تقویت تجارت و همکاری‌های اقتصادی میان هند، افغانستان و کشورهای آسیای میانه می‌انجامد. استفاده از بندر چابهار به هند این امکان را می‌دهد که هزینه‌های حمل و نقل خود را کاهش دهد. چابهار به عنوان یک بندر با دسترسی مستقیم به دریای عمان و اقیانوس هند، می‌تواند مسیرهای حمل و نقل کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تری را برای انتقال کالاهای هند به کشورهای منطقه و جهان فراهم آورد. این امر به ویژه برای کالاهای هند که به بازارهای آسیای میانه، اروپا و خاورمیانه صادر می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عیگری: ۱۳۹۵: ۱۴).

بندر چابهار به هند این امکان را می‌دهد که به طور مستقیم به منابع انرژی خاورمیانه و آسیای میانه دسترسی پیدا کند. ایران به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان عمده نفت و گاز برای هند، می‌تواند با استفاده از چابهار، امکان انتقال انرژی را تسهیل کند. این امر برای هند به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که هند یکی از بزرگترین واردکنندگان نفت و گاز در جهان است و امنیت تأمین انرژی برای اقتصاد این کشور بسیار حیاتی است. بندر

چابهار فرصتی برای هند فراهم می‌آورد تا دیپلوماسی اقتصادی خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی تقویت کند. همکاری‌های هند در بندر چابهار به معنای ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای ایران و افغانستان و همچنین تقویت روابط هند با کشورهای آسیای میانه است. این روابط نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در زمینه‌های سیاسی و امنیتی نیز برای هند اهمیت دارد (رضوانی: ۱۳۹۱: ۸).

بندر چابهار یکی از ارکان مهم استراتژی «نگاه به شرق» هند است، که هدف آن تقویت روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی با کشورهای شرق آسیا و آسیای میانه است. چابهار به هند کمک می‌کند تا به این استراتژی به طور مؤثری عمل کند و دسترسی خود را به بازارهای کلیدی مانند آسیای میانه، ایران و کشورهای خلیج فارس تسهیل نماید. در مجموع، بندر چابهار برای هند یک نقطه کلیدی در مسیر توسعه تجاری، اقتصادی و دیپلماتیک است. این بندر به هند این امکان را می‌دهد که در سطح منطقه‌ای و جهانی نقش برجسته‌تری ایفا کرده و روابط خود را با کشورهای مختلف، به ویژه ایران و افغانستان، تقویت کند (بی‌بی‌سی: ۱۴۰۳). هند به بندر چابهار نه تنها از منظر اقتصادی و تجاری، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک در سیاست خارجی خود نگاه می‌کند. تا بتواند نفوذ خود را در آسیای میانه و خلیج فارس تقویت کند و در برابر چالش‌های امنیتی و اقتصادی مقابله نمایند.

۳. بند چابهار و افزایش تعاملات سه جانبه

۳-۱. چابهار و افزایش تعاملات اقتصادی

بندر چابهار، در موقعیت مناسبی برای تقویت پیوندهای اقتصادی منطقه است. در سطح بین‌المللی، این بندر از یک سو، در مسیر دو کریدور از سه کریدور ترانزیتی بزرگ جهان قرار دارد. کریدور شرقی- غربی از (دروازه ابریشم) در چین آغاز و به حوزه‌های قفقاز، آسیای غربی و دریای مدیترانه منتقل می‌شود، شاخه جنوبی این کریدور از طریق بندر چابهار به جنوب آسیا و خلیج فارس می‌رسد. در کریدور شمال- جنوب، که از شمال

اروپا شروع و با گذر از ایران، تا اقیانوس هند و کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا امتداد می‌یابد، این بندر یکی از مهم‌ترین محورها است. مجاورت بندر چابهار با خلیج-فارس، پاکستان و افغانستان اهمیت ویژه‌ای به آن در این دو کریدور بخشیده است. بندر چابهار با پاکستان (از مرز گوار) تقریباً ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک ساحلی دارد و با افغانستان از مسیرهای چابهار-زاهدان-زابل صورت می‌گیرد. این بندر با پایتخت عمان تقریباً ۲۴۱ کیلومتر فاصله دارد. بدین صورت بندر چابهار، نزدیک‌ترین و بهینه‌ترین مسیر انتقال انرژی و کالا از خلیج فارس، دریای عمان، چین و اقیانوس هند به افغانستان، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، و اروپا شرقی از طریق کریدور شمال-جنوب و غرب-شرق است (صاحب‌داد زهی و توسلی رکن آبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۰).

۲-۳. چابهار و افزایش تعاملات سیاسی

بندر چابهار نه تنها در بخش اقتصادی و امنیتی، بلکه در زمینه تعاملات سیاسی میان افغانستان، ایران و هند نیز نقش بسیار مهمی دارد. این بندر به‌عنوان یک نقطه استراتژیک، در روابط سیاسی این سه کشور تأثیرات عمده‌ای دارد که بر روابط دیپلماتیک، همکاری‌های چندجانبه و راهبردهای منطقه‌ای آن‌ها اثرگذار است (اسلامی، ۱۳۹۷: ۵).

بندر چابهار در تعاملات سیاسی ایران و هند مهم بوده و یکی از اصلی‌ترین نقاط همکاری میان ایران و هند است. این بندر فرصتی برای تقویت روابط دیپلماتیک دو کشور فراهم می‌کند. هند به‌عنوان یکی از شرکای اصلی اقتصادی ایران، در این بندر سرمایه‌گذاری کرده است تا ارتباط خود را با کشورهای آسیای میانه تقویت کند. این همکاری‌های اقتصادی به‌طور غیرمستقیم به تقویت روابط سیاسی ایران و هند. مقابله با نفوذ غرب، همکاری هند با ایران در بندر چابهار می‌تواند به‌ویژه در مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی غرب به ایران، مؤثر باشد. به‌ویژه پس از تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران، هند از بندر چابهار به‌عنوان یک مسیر جایگزین برای تبادل کالا و

ارتباطات سیاسی استفاده کرده است. این همکاری‌ها به هند اجازه می‌دهد که سیاست مستقل خود را در قبال ایران حفظ کند؛ در حالی که به ایران نیز کمک می‌کند تا از فشارهای بین‌المللی کاسته شود. هندوستان برای مبارزه با سیاست‌های منطقه‌ای پاکستان از بندر چابهار برای کاهش وابستگی به بنادر پاکستان استفاده می‌کند؛ به‌ویژه برای دسترسی به آسیای میانه و دیگر مناطق، که این می‌تواند به تقویت سیاست‌های هند در منطقه کمک کند. این مسئله به‌ویژه در زمینه روابط هند با پاکستان و بحران‌های سیاسی میان این دو کشور اهمیت دارد.

نقش بندر چابهار در تعاملات سیاسی ایران و افغانستان نیز اهمیت حیاتی دارد. تقویت روابط تاریخی و فرهنگی، ایران و افغانستان دارای روابط تاریخی و فرهنگی قوی هستند. بندر چابهار به‌عنوان یک نقطه اتصال میان این دو کشور می‌تواند در تقویت این روابط از طریق تسهیل تبادل کالا، خدمات و ارتباطات انسانی نقش مهمی ایفا کند. این تعاملات به تقویت زمینه‌های سیاسی میان دو کشور کمک می‌کند و فرصتی برای ایران فراهم می‌آورد تا در بازسازی و توسعه افغانستان نقش بیشتری ایفا کند. مقابله با تهدیدات مشترک، ایران و افغانستان با تهدیدات مشترک نظیر تروریسم، قاچاق موادمخدر و بحران‌های داخلی روبه‌رو هستند. بندر چابهار می‌تواند به‌عنوان یک ابزار همکاری سیاسی در جهت مبارزه با این تهدیدات مشترک استفاده شود. ایران به‌عنوان یک شریک استراتژیک می‌تواند از طریق چابهار به افغانستان کمک کند تا به رشد اقتصادی و ثبات سیاسی دست یابد. حمایت از حاکمیت افغانستان، ایران با حمایت از دسترسی افغانستان به چابهار و استفاده از این بندر به‌عنوان یک مسیر تجاری، از حاکمیت و استقلال اقتصادی افغانستان حمایت می‌کند. این حمایت‌ها به تقویت روابط سیاسی دو کشور و افزایش همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف کمک می‌کند (سلامی، ۱۳۹۷: ۱۱).

بندر چابهار در تعاملات سیاسی هند و افغانستان هم مهم بوده و روابط دوجانبه را تحکیم می‌بخشد. توسعه روابط سیاسی و تجاری، هند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان

افغانستان در بازسازی پس از جنگ، با سرمایه‌گذاری در بندر چابهار به دنبال تقویت روابط سیاسی و تجاری خود با افغانستان است. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به تقویت امنیت اقتصادی افغانستان کمک می‌کند، بلکه زمینه‌های همکاری سیاسی دوجانبه را نیز تقویت می‌کند.

رقابت با پاکستان، یکی از اهداف هند از همکاری با افغانستان در بندر چابهار، کاهش وابستگی افغانستان به پاکستان است. با توجه به روابط پیچیده افغانستان با پاکستان، هند تلاش دارد تا از طریق چابهار به افغانستان این امکان را بدهد که از وابستگی به بنادر پاکستان رهایی یابد و این خود به تقویت روابط سیاسی هند و افغانستان منجر می‌شود. در کل همکاری‌های سه‌جانبه ایران، هند و افغانستان: تشکیل هم‌پیمانی منطقه‌ای، بندر چابهار می‌تواند به عنوان یک محور برای تشکیل هم‌پیمانی سیاسی و اقتصادی میان ایران، هند و افغانستان عمل کند. این همکاری‌های سه‌جانبه می‌تواند به تقویت منافع مشترک این سه کشور در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی منجر شود. از طریق همکاری در بندر چابهار، این کشورها می‌توانند تهدیدات مشترک را در زمینه‌های تروریسم، قاچاق مواد مخدر و بحران‌های منطقه‌ای کاهش دهند.

تقویت دیپلماسی چندجانبه، ایران، هند و افغانستان می‌تواند از بندر چابهار به عنوان یک ابزار برای تقویت دیپلماسی چندجانبه در منطقه استفاده کنند. این همکاری‌ها می‌تواند به عنوان یک مدل موفق از تعاملات منطقه‌ای عمل کند که دیگر کشورهای منطقه نیز از آن الگوبرداری کنند (آقاجری، ۱۳۹۴: ۴).

در مجموع، بندر چابهار تنها یک نقطه ترانزیتی نیست، بلکه به عنوان یک ابزار سیاسی و دیپلماتیک مهم برای ایران، هند و افغانستان عمل می‌کند. این بندر به این کشورها کمک می‌کند تا روابط سیاسی خود را تقویت کرده و در زمینه‌های مختلف از جمله امنیت، توسعه اقتصادی و همکاری‌های چندجانبه به منافع مشترک دست یابند.

۳-۳. چابهار و افزایش تعاملات امنیتی

بندر چابهار، با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در نزدیکی آب‌های آزاد و خلیج فارس، اهمیت ویژه‌ای در تأمین امنیت دریانوردی و تجاری دارد. این بندر می‌تواند در برابر تهدیدات دریایی و تروریسم منطقه‌ای یک نقطه استراتژیک برای همکاری‌های امنیتی باشد. بخش امنیتی بندر چابهار برای افغانستان، ایران و هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که این بندر می‌تواند به تقویت امنیت منطقه‌ای و همکاری‌های امنیتی میان این سه کشور کمک کند. در این زمینه، بندر چابهار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تقویت ثبات و مبارزه با تهدیدات امنیتی نقش ایفا می‌کند. در ادامه، نقش امنیتی این بندر را برای هر یک از این کشورها بررسی می‌کنیم:

الف) بندر چابهار، برای ایران به‌عنوان یک نقطه استراتژیک در تقویت امنیت دریایی و امنیت اقتصادی کشور اهمیت دارد. ایران در حال حاضر با تهدیدات متعددی مانند تهدیدات دریایی، مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر روبرو است. بندر چابهار به ایران این امکان را می‌دهد که همکاری‌های امنیتی خود را با کشورهای همسایه به‌ویژه هند و افغانستان تقویت کند و از آن به‌عنوان یک پایگاه استراتژیک برای مقابله با این تهدیدات استفاده کند. ایران می‌تواند از طریق چابهار، مانع از نفوذ قدرت‌های خارجی به منطقه شود و هم‌چنین برای ایجاد ثبات در خلیج فارس و دریای عمان تلاش کند (دالبی، ۱۳۷۷: ۱۵).

ب) برای افغانستان، بندر چابهار اهمیت ویژه‌ای دارد چون این کشور به‌دلیل مشکلات زیرساختی، به یک مسیر امن و مؤثر برای واردات و صادرات نیاز دارد. این بندر به افغانستان این امکان را می‌دهد که بدون وابستگی به بنادر پاکستان، دسترسی مستقیمی به دریا داشته باشد. کاهش وابستگی به پاکستان، افغانستان به‌دلیل روابط پیچیده و گاه پرتنش با پاکستان، به‌ویژه در زمینه‌های ترانزیت و تجارت، از بندر چابهار به‌عنوان یک مسیر تجاری جایگزین و امن بهره‌برداری می‌کند. این کاهش وابستگی به پاکستان باعث

تقویت استقلال اقتصادی و امنیتی افغانستان می‌شود. مبارزه با تروریسم، افغانستان با تهدیدات امنیتی از سوی گروه‌های تروریستی مانند، داعش روبرو است. همکاری با ایران و هند از طریق بندر چابهار می‌تواند به تقویت تبادل اطلاعات و هم‌افزایی در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌ها کمک کند.

ج) برای هند، بندر چابهار به‌ویژه از منظر امنیتی اهمیت دارد؛ زیرا هند به دنبال تقویت نفوذ خود در منطقه آسیای میانه و مبارزه با تهدیدات مرتبط با تروریسم است که دسترسی این کشور به بازارهای آسیای میانه را مقدور می‌سازد. هند به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در منطقه، از طریق بندر چابهار قادر به برقراری ارتباط مستقیم با کشورهای آسیای میانه است که این خود به امنیت اقتصادی و سیاسی هند کمک می‌کند. مقابله با تهدیدات تروریستی، هند به دلیل تهدیدات تروریستی از سوی گروه‌های مختلف، از جمله تهدیدات موجود در پاکستان و افغانستان، می‌تواند از طریق همکاری‌های امنیتی در چابهار با ایران و افغانستان، اطلاعات و منابع خود را برای مقابله با این تهدیدات تقویت کند. مبارزه با قاچاق مواد مخدر نیز مورد توجه جدی کشور هندوستان است. هند یکی از مقاصد بزرگ مواد مخدر است که عمدتاً از افغانستان وارد می‌شود. بندر چابهار می‌تواند در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و تقویت امنیت مرزهای هند مؤثر باشد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۱).

در کل، بندر چابهار به‌عنوان یک نقطه استراتژیک برای سه کشور ایران، هند و افغانستان در زمینه امنیت منطقه‌ای اهمیت دارد. این بندر با تقویت همکاری‌های امنیتی میان این سه کشور، می‌تواند در مبارزه با تهدیداتی همچون تروریسم، قاچاق مواد مخدر و تهدیدات دریایی مؤثر باشد. همچنین، این همکاری‌ها به تقویت ثبات و امنیت در منطقه کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

بندر چابهار به‌عنوان یک پروژه زیربنایی و استراتژیک، به‌طور قابل توجهی توانسته

است روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی میان افغانستان، ایران و هند را تقویت کند. این بندر که در سواحل جنوبی ایران قرار دارد، برای کشورهای محصور در خشکی همچون افغانستان نقش حیاتی دارد. چابهار امکان دسترسی این کشور به آب‌های آزاد و توسعه تجارت با دیگر کشورهای آسیایی و فراتر از آن را فراهم کرده است. از طرف دیگر، هند که به‌عنوان یک قدرت اقتصادی در جنوب آسیا شناخته می‌شود، از چابهار به‌عنوان یک کریدور ترانزیتی برای دسترسی به بازارهای آسیای میانه و کشورهای منطقه بهره‌برداری می‌کند.

رویکرد افغانستان، ایران و هند به بندر چابهار کاملاً بر اساس منافع ملی و استراتژیک آنها شکل گرفته است. افغانستان به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود و نیاز به یک راه دسترسی به دریا برای تجارت، اهمیت ویژه‌ای به این بندر می‌دهد. با استفاده از چابهار، افغانستان می‌تواند کالاها را به راحتی وارد و صادر کند، که این امر به‌طور قابل توجهی باعث توسعه اقتصادی و تجاری آن خواهد شد. ایران نیز به‌عنوان کشور میزبان بندر، از این پروژه به‌عنوان ابزاری برای تقویت موقعیت اقتصادی و افزایش درآمدهای تجاری استفاده می‌کند. همچنین هند با هدف دسترسی به بازارهای آسیای میانه و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، به بندر چابهار توجه ویژه‌ای دارد.

کریدور چابهار تعاملات سه‌جانبه را افزایش می‌دهد. با توجه به این رویکردها، بندر چابهار به‌عنوان یک پل ارتباطی میان سه کشور افغانستان، ایران و هند عمل کرده است. این بندر به‌عنوان یک کریدور ترانزیتی، نه‌تنها برای افغانستان امکان دسترسی به بازارهای جهانی را فراهم می‌کند، بلکه هند را قادر می‌سازد که ارتباطات خود با کشورهای آسیای میانه را گسترش دهد. در نتیجه، چابهار به‌عنوان یک نقطه ارتباطی میان این سه کشور، به‌طور مستقیم به تقویت همکاری‌های اقتصادی، تجاری و حتی سیاسی آن‌ها کمک کرده است. این تعاملات سه‌جانبه باعث افزایش تبادل کالا، ارتقاء تجارت و حتی تسهیل پروژه‌های زیربنایی و صنعتی مشترک میان این کشورها شده است.

در مجموع می‌توان گفت که بندر چابهار علاوه بر این که یک پروژه اقتصادی و تجاری مهم برای ایران است، به عنوان یک ابزار استراتژیک برای تقویت روابط اقتصادی و تجاری میان سه کشور افغانستان، ایران و هند به شمار می‌آید. این بندر می‌تواند در آینده نه تنها به تقویت تعاملات اقتصادی سه جانبه منجر شود، بلکه با گسترش روابط تجاری و ترانزیتی، به توسعه ثبات اقتصادی، امنیتی، سیاسی منطقه‌ای نیز کمک کند. از آنجا که بندر چابهار به عنوان یک کانون مهم در کریدورهای ترانزیتی بین‌المللی مطرح است، این پروژه می‌تواند در آینده به عنوان یک مدل برای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی نیز عمل کند.

منابع

1. آخندزاده، مولوی هیبت‌الله، (الف ۱۴۰۱)، پیام تبریکی علیقدر امیرالمومنین شیخ‌الحديث مولوی هیبت‌الله آخندزاده به مناسبت عيد سعيد فطر، متن ارسالی دفتر ریاست‌الوزرا به اداره‌های دولتی
2. اربابی، قاسم، (۱۳۹۹)، جایگاه چابهار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه

پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی

3. اسلامی، روح‌الله، (۱۳۹۷)، استراتژی‌های کارسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸
4. بهروش، میثم، (۱۳۹۷)، چرا بندر چابهار برای ایران مهم است، تهران، مرکز پژوهش‌های استراتژیک

5. دالبی، سایمون، (۱۳۷۷)، امنیت، اطلاعات منافع جهانی، مجموعه مقالات اطلاعاتی امنیتی، جلد سوم، تهران: دانشگاه اطلاعات
6. رضوانی، سیاوش، (۱۳۹۱)، بندرچابهار موقعیت لجستیکی ممتاز در خاورمیانه و دریا، ۲۷ (۱۹۱)

7. رنجبر، بسم‌الله، (۱۳۹۸)، اهمیت بندر چابهار و گوادر برای منطقه، مقاله سیمه ییز مطالعات
8. رضوانی، مصطفی، (۲۰۲۴)، بندر چابهار راه اتصال افغانستان با جهان، خانه مقالات اقتصادی
9. صاحب‌داد زهی، مجید توسلی رکن آبادی، (۱۳۹۶)، تأثیر جنوب شرق ایران به عنوان منطقه-ی ویژه انتقال انرژی بر شکاف‌های حاصل از تفاوت سطح توسعه‌ی منطقه، نشریه مدیریت شهری، سال ۱۶، شماره ۴۶

10. عسکری کرانی، حامد، (۱۳۹۵)، بندر چابهار و منطقه، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول
11. متفی، عبدالقدیر، بهرام امیر احمدیان، گلشن ساجدوا، (۱۳۹۷)، تحلیل استراتژیک بندرچابهار، کابل

12. محمدی، تاجیک، (۱۴۰۲)، سیاست متوازن و دیپلوماسی دوجانبه افغانستان، شناسه ملی مقاله ۱-۱-۰۰۷

1. www.tolonews.com:
2. tolonews.com/business-trade-volume-increases-between-afghanistan-and-iran.

3. tolonews.com/business/iran-promises-more-facilities-afghan-traders-chabahar.

4. <https://www.bbc.com/news>

5. Visit **BBC News** for up-to-the-minute news, breaking news, video,

6. www.cfzo.ir/ns/163

7. <http://www.irna.ir/en/news/82737280>

8. [https://en.irna.ir/news/82737280/Iran-critically-important-for-India-](https://en.irna.ir/news/82737280/Iran-critically-important-for-India-NMF)

[NMF](#)